

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۹، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۵

**بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی:
مطالعه موردی در روستاهای استان فارس**

سید مسعود ماجدی*، عبدالعلی لهسایی زاده**

چکیده

در این تحقیق، سرمایه اجتماعی مفهومی است که دارای دو جزء ساختاری و شناختی است؛ جزء ساختاری کنش جمعی منافع دو طرفه را تسهیل می‌کند و جزء شناختی به ایجاد و تقویت وابستگی متقابل مثبت برای کنش جمعی دو طرفه می‌پردازد. برای اندازه‌گیری این مفهوم بر همین دو جزء تکیه می‌شود، به گونه‌ای که در جزء ساختاری عواملی مانند عضویت گروهی، حمایت متقابل، تفاوت، و خدمات، و در جزء شناختی شاخص‌هایی مانند اعتماد، انسجام، و تضاد در نظر گرفته شده است. همچنین، تأثیر عوامل زمینه‌ای مانند متغیرهای جمعیتی، متغیرهای اقتصادی - اجتماعی، و متغیرهای شخصیتی به همراه سرمایه اجتماعی سنجیده می‌شود. جهت تحلیل یافته‌ها و بررسی فرضیه‌ها، از دو روش آماری ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. داده‌های این تحقیق در ۱۲ روستای استان فارس، که با روش نمونه‌گیری انتخاب شدند، و از طریق مصاحبه با ۵۰۹ نفر از سرپرستان خانوارها جمع‌آوری شد. تحلیل نتایج نشان داد که یازده فرضیه از بیست فرضیه مربوط به بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای و سرمایه اجتماعی تأیید شد که از آن میان، پنج فرضیه به شاخص‌های سرمایه اجتماعی مربوط می‌شود؛ همچنین، مدل تحلیل رگرسیونی

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.

** استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.

معنادار شد که در واقع، تأییدی بر فرضیه تحقیق بود. سطح بالای سرمایه اجتماعی به سطح بالای رضایت از کیفیت زندگی می‌انجامد. بنابراین، سرمایه اجتماعی در مقایسه با متغیرهای زمینه‌ای مانند سن، شغل، و... پیش‌بینی کننده‌ای بهتر برای رضایت از کیفیت زندگی به شمار می‌رود.

کلید واژه‌ها: سرمایه اجتماعی / رضایت از زندگی / مطالعه موردی / روستاها / استان فارس.

مقدمه

در سال‌های اخیر، سرمایه اجتماعی به یک مفهوم بسیار مرسوم مبدل شده و به صورت شعار روز سیاستمداران و نخبگان دانشگاهی درآمد است. سرمایه اجتماعی مفهومی چند بُعدی در علوم اجتماعی و تأثیرگذار در بسیاری از حوزه‌های جامعه است، و در ادبیات مرتبط با توسعه نیز جایگاهی ویژه یافته است، به گونه‌ای که برخی آن را حلقه مفقوده توسعه می‌دانند. در این مقاله، به بررسی این موضوع می‌پردازیم که چگونه سرمایه اجتماعی بر رضایت از کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارد. در اکثر تحلیل‌ها، برای سرمایه اجتماعی دو سطح در نظر گرفته‌اند که با عناوین متفاوت از آنها یاد می‌کنند: بعد ارتباطی و ساختاری؛ کیفیت‌های مرتبط با فرد یا گروه‌ها یا ارزش‌های حاکم بر روابط بین کنشگران اجتماعی؛ و جنبه‌های ساختاری و شناختی که توسط آپهوف مطرح شده است. آپهوف برای مفهومی کردن و ساختن یک چارچوب مفهومی از سرمایه اجتماعی چنین عنوان می‌کند که برای فهم سرمایه اجتماعی به‌طور مفیدتر، باید آن را به دو طبقه پدیده‌های مرتبط با یکدیگر تقسیم کنیم: ساختاری، و شناختی؛ این تقسیم‌بندی برای فهم سرمایه اجتماعی دارای همان اهمیتی است که منابع تجدید شونده و غیر تجدید شونده برای سرمایه طبیعی دارند (Uphoff, 2000).

آپهوف سرمایه اجتماعی در شکل ساختاری آن را با شکل‌های گوناگون سازمان اجتماعی پیوند می‌زند؛ مواردی مانند نقش‌ها، قواعد، روش‌های قبلی یا رسوم و رویه‌ها، به همراه دامنه‌ای گسترده از شبکه‌هایی که به همکاری یا تعاون و به‌ویژه کنش

جمعی دو طرفه سودمند کمک می‌کنند. آپهوف اعتقاد دارد که این جریان منافع است که از سرمایه اجتماعی نتیجه می‌شود. طبقه‌بندی شناختی از فرآیندهای ذهنی مشتق شده و نتیجه آن ایده‌ها است، و به‌وسیله فرهنگ و ایدئولوژی تقویت می‌شود؛ خصوصاً هنجارها، نگرش‌ها، و باورهای که به رفتار مبتنی بر همکاری و تعاون و کنش جمعی دو طرفه سودمند کمک می‌کند (همان).

عناصر سازمان اجتماعی در طبقه بندی ساختاری، از طریق کاهش هزینه‌ها و ایجاد الگوهای کنش متقابل که نتایج حاصل را به واسطه همکاری به وجود می‌آورد، کنش دو طرفه سودمند را تسهیل می‌کند. ایده‌های ناشی از طبقه‌بندی شناختی زمینه را برای مردم جهت کنش دو طرفه سودمند فراهم می‌سازد، و بخشی از دلایل آن عبارت است از آنکه وقتی آنها در یک موضوع به صورت گسترده سهیم باشند، خیلی بهتر و با خواست خود همکاری می‌کنند. هنجارها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، و باورهای سازنده سرمایه اجتماعی شناختی عبارت‌اند از مواردی که رفتار مبتنی بر همکاری و تعاون را منطقی و قابل احترام می‌کنند. آپهوف از این نکته صحبت می‌کند که هر چند، به‌طور انتزاعی می‌توانیم سرمایه اجتماعی ساختاری را بدون سرمایه اجتماعی شناختی متصور شویم و بر عکس، ولی در عمل در نظر گرفتن این دو بدون هم ناممکن و مشکل است (همان).

در این مقاله، می‌کوشیم چگونگی تأثیرگذاری جنبه‌های ساختاری (نقش‌ها، قواعد، شبکه‌ها، شیوه‌ها و رسوم) و شناختی (هنجارها، ارزش‌ها، اعتماد، انسجام، معامله متقابل، نگرش‌ها و باورها) سرمایه اجتماعی و همچنین متغیرهای زمینه‌ای بر رضایت از کیفیت زندگی در نقاط روستایی استان فارس را مورد بررسی قرار دهیم.

ابعاد نظری

هر چند، ریشه‌های بحث سرمایه اجتماعی را می‌توان در کارهای جامعه‌شناسان قرن نوزدهم یعنی دورکیم، وبر، مارکس و زیمل (Grix, 2001 Wall et al 1998 Portes et al., 1998) پیدا

کرد. اما از دهه ۱۹۹۰ که سرمایه اجتماعی به مثابه یک مفهوم به حوزه ادبیات مرتبط با توسعه وارد شد، سه نظریه پرداز به عنوان طرح کنندگان و گسترش دهندگان سرمایه اجتماعی مطرح شده اند که عبارت اند از: جیمز کلنن، پیر بوردیو، رابرت پاتنام؛ اگر چه بعد از طرح موضوع از سوی این نظریه پردازان، جامعه شناسان، اقتصاددانان و سیاستمداران برجسته ای در مورد این موضوع، عناصر، و نیز تأثیرات احتمالی آن بحث هایی را مطرح کرده اند. از این رو، در این قسمت، نخست نظریه این سه تن در مورد سرمایه اجتماعی به اختصار بررسی می شود، و سپس چارچوب نظری منتخب و مدل تحلیلی بررسی خواهد شد.

بوردیو

در دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰، بوردیو مفهوم سرمایه اجتماعی را توسعه داد، اما این کار او نسبت به قسمت های دیگر نظریه اجتماعی اش توجه کمتری را جلب کرد (Field, 2003). یکی از سنگ بناهای نظری جامعه شناسی بوردیو در نظر گرفتن جامعه به مثابه تکثری از حوزه های اجتماعی است. شکل های سرمایه (اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی) عواملی اساسی اند که تعریف کننده موقعیت ها و امکانات کنش گران گوناگون در هر حوزه ای به شمار می روند (Siisaman, 2000). از نظر او سرمایه در سه شکل بنیادی امکان بروز می یابد، به شکل سرمایه اقتصادی که قابلیت تبدیل شدن به پول را دارد و ممکن است در شکل حقوق مالکیت نهادینه شود؛ به شکل سرمایه فرهنگی که در شرایط معین، قابلیت تبدیل شدن به سرمایه اقتصادی را دارد و ممکن است به شکل کیفیت های آموزشی نهادینه شود؛ و به شکل سرمایه اجتماعی که از الزامات اجتماعی (ارتباطات) ساخته شده است و در شرایط معین، قابلیت تبدیل شدن به سرمایه اقتصادی را دارد و ممکن است به صورت عنوان اشرافی یا اصالت خانوادگی نهادینه شود (Wall et al. 1998). از نظر بوردیو سرمایه اجتماعی دو مؤلفه دارد: اول، منبعی است که ارتباط با آن از طریق عضویت در گروه و شبکه های اجتماعی امکان پذیر می شود و دوم، حجم سرمایه اجتماعی ای که به تملک یک کارگزار

انسانی درمی‌آید، بر اندازه‌ای از شبکه‌های ارتباطاتی مبتنی است که او می‌تواند بسیج کند (Siisaman, 2000).

بورديو اعتقاد دارد که این کیفیت به وسیلهٔ کلیت ارتباطات بین کنش‌گران حاصل می‌شود، نه آنکه فی‌نفسه یک کیفیت معمول گروه باشد. عضویت در گروه‌ها و درگیر بودن در شبکه‌های اجتماعی، که در گروه‌ها حاصل می‌شود، و روابط اجتماعی حاصل از عضو بودن می‌تواند در تلاش برای بهبود موقعیت اجتماعی کنش‌گران در حوزه‌های گوناگون و متفاوت به کار برده شود. انجمن‌های داوطلبانه، اتحادیه‌های تجاری، احزاب سیاسی، و انجمن‌های سری، همگی نمونه‌هایی جدید از تجسم سرمایه اجتماعی به شمار می‌روند. از نظر بورديو، وجود تفاوت‌ها در کنترل سرمایه اجتماعی توضیح دهندهٔ این موضوع است که میزان همانند سرمایه اقتصادی و فرهنگی، از سویی، منافع متفاوتی را برای افراد فراهم می‌آورد و، از دیگر سو، در قدرت نفوذ کنش‌گران مختلف تفاوت‌هایی ایجاد می‌کند. عضویت در گروه‌ها باعث ایجاد سرمایه اجتماعی می‌شود که دارای اثرات تکثری بر شکل‌های دیگر سرمایه خواهد بود (همان).

کلمن

دومین نظریه پرداز مهم در مورد سرمایه اجتماعی جیمز کلمن، جامعه‌شناس آمریکایی، بوده است که تأثیری قابل ملاحظه در مطالعات آموزش و پرورش دارد. کلمن، در یک سلسله تحقیقات در مورد موفقیت‌های آموزشی در محل‌های زندگی اقلیت‌ها یا محرومان آمریکا، نشان داد که سرمایه اجتماعی می‌تواند منافع واقعی برای فقرا و اجتماعات حاشیه‌ای فراهم آورد (Field, 2003). وال معتقد است که کلمن نیز مانند بورديو مفهوم سرمایه اجتماعی را از اقتصاد به جامعه‌شناسی آورده است (Wall et al. 1998).

کلمن بر این اعتقاد است که سرمایه اجتماعی با کارکرد آن تعریف می‌شود، سرمایه اجتماعی چیزی واحد نیست بلکه انواع چیزهایی گوناگون است که دو ویژگی مشترک دارند: همهٔ آنها جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی را شامل می‌شوند؛ و کنش‌های معین

افرادی را که در درون ساختارند، تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی مانند شکل‌های دیگر سرمایه مولد است و دستیابی به برخی اهداف را که در نبودن آن، دست نیافتنی خواهد بود، امکان‌پذیر می‌کند (کلمن، ۱۳۷۷).

کلمن معتقد است که سازمان اجتماعی سرمایه اجتماعی را پدید می‌آورد، و دستیابی به اهدافی را که در نبود آن، دست‌نیافتنی یا با هزینه زیادتری دست‌نیافتنی بود، تسهیل می‌کند. کلمن می‌گوید: سرمایه اجتماعی هنگامی به‌وجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه‌ای دگرگون شود که کنش را تسهیل می‌کند. او سخن خود را این‌گونه ادامه می‌دهد که سرمایه مادی کاملاً ملموس است، و به صورت مادی و قابل مشاهده تجسم یافته است. سرمایه انسانی چندان ملموس نیست، و در مهارت‌ها و دانشی که فردی کسب کرده است، تجسم می‌یابد. سرمایه اجتماعی حتی کمتر از این محسوس است، زیرا در روابط میان افراد تجسم می‌یابد. سرمایه مادی و سرمایه انسانی فعالیت تولیدی را تسهیل می‌کنند، و سرمایه اجتماعی نیز همانند آنها عمل می‌کند. مثلاً، گروهی که اعضای آن قابلیت اعتماد نشان می‌دهند و اعتماد آنها به یکدیگر زیاد است، خواهند توانست کارهایی بسیار بیشتر از گروهی انجام دهند که فاقد آن قابلیت اعتماد است (همان).

پاتنام

سومین نویسنده مطرح در مباحثات اخیر در مورد سرمایه اجتماعی پاتنام است. بلاندن معتقد است که در هر شاخه علمی، می‌توان دو گرایش را تشخیص داد: عقل‌گرایانه و تجربه‌گرایانه. اگر کلمن را بنیانگذار شاخه عقل‌گرایانه سرمایه اجتماعی بدانیم، پاتنام را می‌توانیم پیشرو شاخه تجربی آن بدانیم (Blunden, 2003). پاتنام بیشتر بدین موضوع علاقه‌مند بود که چگونه سرمایه اجتماعی در سطوح منطقه‌ای عمل می‌کند تا ایجاد نهادهای دمکراتیک و توسعه اقتصادی را موجب شود. پاتنام خود بدین موضوع معترف

بود که از مطالعات کلّمن در مورد مشارکت سرمایه اجتماعی فردی برای موفقیت تحصیلی الهام گرفته است، اما او کار خود را از آموزش و پرورش به سیاست و مکان خود را نیز از ایالات متحده به ایتالیا تغییر داد (Fine, 2000). پاتنام دیدگاهی از سرمایه اجتماعی را ارائه می‌کند که با پیش فرض‌های وبری از فرهنگ سیاسی در علوم سیاسی در آمریکا هماهنگ است. در چنین دیدگاهی، نگرش‌ها و هنجارهایی مانند اعتماد و روابط متقابل به‌طور برون‌زاد به همراه شبکه‌های اجتماعی به‌وجود می‌آیند و به مثابه عواملی که یک جامعه را قادر می‌کند به کنش جمعی بپردازد، عمل می‌کنند (Foley and Edward, 1999). خود او در این مورد می‌گوید: «منظور از سرمایه اجتماعی در اینجا وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ کارآیی جامعه را بهبود بخشند» (پاتنام، ۱۳۸۰).

وال بر این باور است که دیدگاه پاتنام در مورد سرمایه اجتماعی از توکویل در کتاب *دموکراسی در آمریکا* تأثیر پذیرفته است (Wall et al., 1998). تغییر نقطه تمرکز از سطح فردی به سطح منطقه‌ای کار پاتنام را به طور تجربی از کار بورديو و کلّمن مجزا می‌کند، اما تعریف او از سرمایه اجتماعی به‌طور بنیانی به تعریف آن دو شبیه است. کار صورت گرفته عبارت است از کاربرد مفهوم در یک مقیاس اجتماعی وسیع‌تر. آن جنبه‌هایی از سرمایه اجتماعی که از نظر پاتنام، تفاوت در سطوح ملی و منطقه‌ای در دستاوردهای سیاسی و اقتصادی را موجب می‌شود، هنجارهای کنش متقابل عامی است که محرک اعتماد اجتماعی است (Winter, 2000). این همان اعتمادی است که اعضای جامعه به دست می‌آورند و کنش‌های نوع‌دوستانه آنها را در جهت مشارکت در رفاه دیگران سوق می‌دهد، و پاداش آن را هم در جایی یا نقطه‌ای دیگر می‌گیرند. شبکه‌های مشارکت مدنی (انجمن‌های همسایگی، معاشرت‌های جمعی، تعاونی‌ها، باشگاه‌های ورزشی، احزاب توده‌ای و غیره) عناصر اساسی سرمایه اجتماعی به شمار می‌روند که باعث تقویت

هنجارهای کنش متقابل می‌شوند. این هنجارها نیز به نوبه خود رعایت‌کنندگان هنجارهای کنش متقابل را تأیید می‌کند.

متفکران متعددی بعد از اوج گرفتن بحث‌های سرمایه اجتماعی بدان پرداخته‌اند که از این میان، می‌توان به افرادی مانند فوکویاما با تأکید او بر اعتماد، رونالد بارت با تأکید او بر شبکه‌ها، نان لین، جاناتان ترتر، برایان ترنر، ولکاک و..... اشاره کرد. اما تعدادی از محققان به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی در نقاط روستایی پرداخته و در این راستا، چارچوب‌های نظری و شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری آن را به وجود آورده‌اند که از این میان، می‌توان افرادی مانند آنیروود کریشنا، نورمن آپهوف، و گروتارت را یادآور شد که تحقیقاتی را در زمینه‌های مختلف مرتبط با محیط‌های روستایی انجام دادند. برای تعیین کردن چارچوب نظری ابتدا بر دیدگاه‌های آپهوف مروری را انجام می‌دهیم و سپس مدل تحلیلی را طرح خواهیم کرد.

آپهوف

آپهوف که در سه دهه گذشته، مشغول بحث‌های توسعه، توسعه روستایی و نقش نهادهای اجتماعی، مشارکت و سرمایه اجتماعی بوده است، در تلاشی که جنبه‌های نظری آن کاملاً آشکار است، سرمایه اجتماعی را مورد تحلیل قرار داده است که در ادامه، به بررسی آن می‌پردازیم. آپهوف برای مفهومی کردن و ساختن یک چارچوب مفهومی از سرمایه اجتماعی این‌طور عنوان می‌کند که برای فهم بهتر سرمایه اجتماعی باید آن را به دو طبقه مرتبط به هم از پدیده‌ها تقسیم کنیم: ساختاری، و شناختی. این تقسیم‌بندی برای فهم سرمایه اجتماعی به همان اندازه اهمیت دارد که منابع تجدید شونده و غیر تجدید شونده برای سرمایه طبیعی دارای اهمیت است (Uphoff, 2000). آپهوف سرمایه اجتماعی را در شکل ساختاری آن با شکل‌های گوناگون سازمان اجتماعی پیوند می‌زند، مواردی مانند نقش‌ها، قواعد، روش‌های قبلی

یا رسوم و رویه‌ها به همراه دامنه وسیعی از شبکه‌هایی که به همکاری یا تعاون و به ویژه کنش جمعی دو طرفه سودمند کمک می‌کنند. آپهوف اعتقاد دارد که این جریان منافی است که از سرمایه اجتماعی نتیجه می‌شود. طبقه‌بندی شناختی از فرآیندهای ذهنی مشتق می‌شود و نتیجه آن ایده‌هاست، و فرهنگ و عقاید آن را تقویت می‌کنند، به ویژه هنجارها، نگرش‌ها، و باورهایی که به رفتار مبتنی بر همکاری و تعاون و کنش جمعی دو طرفه سودمند کمک می‌کنند (همان).

عناصر سازمان اجتماعی در طبقه بندی ساختاری کنش دو طرفه سودمند را به وسیله کاهش هزینه‌ها، ایجاد الگوهای کنش متقابلی که نتایج پر حاصل را به واسطه همکاری به وجود می‌آورد، تسهیل می‌کند. ایده‌های ناشی از طبقه بندی شناختی زمینه را برای مردم جهت کنش دو طرفه سودمند فراهم می‌آورد، که بخشی از دلایل آن عبارت است از آنکه وقتی آنها به گونه‌ای گسترده در یک موضوع سهیم باشند، خیلی بهتر و با خواست خود همکاری می‌کنند. هنجارها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، و باورهای سازنده سرمایه اجتماعی شناختی رفتار مبتنی بر همکاری و تعاون را منطقی و قابل احترام می‌کنند. آپهوف از این نکته صحبت می‌کند که هر چند، به طور انتزاعی می‌توانیم سرمایه اجتماعی ساختاری را بدون سرمایه اجتماعی شناختی متصور شویم و بر عکس، ولی در عمل در نظر گرفتن این دو بدون هم نا محتمل و مشکل است (همان).

نکته دیگری که آپهوف در این مورد مطرح می‌کند، بیرونی و قابل مشاهده بودن سرمایه اجتماعی ساختاری و درونی و غیر قابل مشاهده بودن سرمایه اجتماعی شناختی است. اما او بر این نکته تأکید می‌گذارد که این هر دو قلمرو در عمل با هم متصل می‌باشند؛ او این گونه مطرح می‌کند که در نظریات علوم اجتماعی نیز این دو از طریق پدیده رفتاری ذهنی‌ای مانند انتظارات با یکدیگر پیوند دارند. سازمان‌های رسمی یا غیر رسمی با نقش‌ها، قواعد، رسوم، و رویه‌ها، موازی با شبکه‌های رسمی یا غیر رسمی کنش‌های متقابل، به همراه هنجارها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، و باورهایی که یک جمعیت در آن سهیم‌اند، می‌تواند به اثرات حاصله نیرو و توان بدهد.

آپهوف این نوع مفهومی کردن سرمایه اجتماعی را با ایده‌های کلمن و پاتنام از سرمایه اجتماعی هماهنگ می‌داند. او بیان می‌کند که هم کلمن و هم پاتنام در تعریف و تحلیل خود از سرمایه اجتماعی بر عناصر ساختاری و شناختی آن تأکید داشته‌اند؛ اما او معتقد است که آنها سرمایه اجتماعی را بیشتر به صورت توصیفی به‌کار گرفته‌اند تا تحلیلی؛ و به نظر او، نگاه این چینی یعنی به‌وسیله سازماندهی عوامل سازنده سرمایه اجتماعی به دو طبقه‌بندی اصلی - که می‌تواند آن را دقیق تر و برای مطالعه آماده کند - مناسب‌تر است و چنین تدوینی از مفهوم سرمایه اجتماعی به‌گونه‌ای است که برای پیشرفت کارهای نظری و اندازه‌گیری و ارزیابی مناسب‌تر خواهد بود (همان).

آپهوف می‌گوید این دو طبقه‌بندی از سرمایه اجتماعی در سطح بالایی به هم وابسته‌اند، به گونه‌ای که هر کدام از شکل‌ها (ساختاری یا شناختی) به یکدیگر کمک می‌کنند؛ هر دو از طریق سازوکار انتظارات بر رفتار تأثیر می‌گذارند. هر دو پدیده از طریق تجارب شرطی می‌شوند و فرهنگ و روحیه یا طرز فکر یک دوره و دیگر عوامل تأثیرگذار آنها را تقویت می‌کنند. هر دو شکل ساختاری و شناختی سرمایه اجتماعی در تحلیل آخر پدیده‌های فکری به شمار می‌روند (همان).

کیفیت زندگی

کیفیت زندگی مفهومی است که برای ترسیم توسعه رفاه در یک جامعه به کار می‌رود. به طور خیلی ساده، می‌توان گفت که کیفیت زندگی منعکس کننده شرایط زندگی و رفاه افراد است. طی سی سال گذشته، کیفیت زندگی به مثابه یک هدف اصلی توسعه جامعه بر سیاست‌گذاری‌های بسیاری از کشورها تأثیرگذار بوده است. مفهوم کیفیت زندگی جایگزین ایده ثروت به مثابه هدف اصلی توسعه اجتماعی شده است (Schmit, 2002). امروزه، مفهوم کیفیت زندگی احتمالاً از چارچوب‌های نظری است که برای سنجش شرایط زندگی در جوامع مختلف زیاد به کار می‌رود و علائق برای سنجش رضایت از

کیفیت زندگی یک عامل و انگیزه اساسی در این حوزه تحقیقی است. در این تحقیق، بر جنبه ذهنی شاخص کیفیت زندگی تکیه کرده و سعی در سنجش آن داشته‌ایم. برخی محققان بین دو موضوع در مورد کیفیت زندگی تمایزی را قائل شده‌اند. یکی اینکه می‌توان کیفیت زندگی را در واحدها یا سطوح مختلف تحلیل کرد، مثلاً فردی، خانوادگی، اجتماع، دولت‌ها، و در سطح جهان. دیگر آنکه می‌توان کیفیت زندگی را در دو شکل ذهنی و عینی مورد سنجش قرار داد (Sirgy et al. 2000). در این تحقیق، بر جنبه ذهنی آن تکیه کرده و سطح تحلیل را هم در دو واحد فرد و روستا در نظر گرفته‌ایم.

ارتباط نظری بین سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی

پاتنام در کتاب بازی بولینگ یک نفره می‌گوید: «از میان همه حوزه‌هایی که در آنها، پیامدهای سرمایه اجتماعی را ریشه‌یابی کردم، اهمیت ارتباط اجتماعی هیچ‌کدام از آنها به خوبی قلمرو سلامت و رفاه نبوده است» (Putnam, 2000). برخی از محققان معتقدند که سرمایه اجتماعی نه تنها برای مسائل کسب و کار جالب و با اهمیت است، بلکه دلایل جالب و مهم‌تری نیز برای یادگیری چگونگی توسعه و استفاده از سرمایه‌های اجتماعی وجود دارد. تحقیقات و مطالعات منتشر شده در زمینه روان‌شناسی و پزشکی نشان می‌دهد که بین سرمایه اجتماعی و کیفیت، هدف و مفهوم زندگی، پیوندی مستقیم وجود دارد (بیکر، ۱۳۸۲).

در دو مورد کاربرد سرمایه اجتماعی در کار گذشتگان، که یکی به دورکیم و دیگری به جین جاکوب مربوط می‌شود، تأکید بر تأثیری است که این نوع سرمایه می‌تواند بر سلامت و کیفیت زندگی بگذارد. سابقه مطالعات ارتباط بین سرمایه اجتماعی و سلامت به یک قرن پیش بازمی‌گردد و در کار دورکیم بر روی خودکشی، می‌توان آن را مشاهده کرد (Halpern, 2005). جاکوب در کتاب خود معتقد است که شبکه‌های اجتماعی فشرده در محدوده‌های قدیمی و مختلط شهری، صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند و در ارتباط با حفظ نظافت، عدم وجود جرم و جنایت خیابانی، و دیگر

تصمیمات در مورد بهبود کیفیت زندگی، در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی مانند نیروی حفاظتی پلیس، مسؤلیت بیشتری از خود نشان می‌دهند (فوکویاما، ۱۳۷۹). گفته شده است که بین شبکه اجتماعی و خوشبختی، سلامتی، و زندگی طولانی‌تر ارتباط وجود دارد (بیکر، ۱۳۸۲).

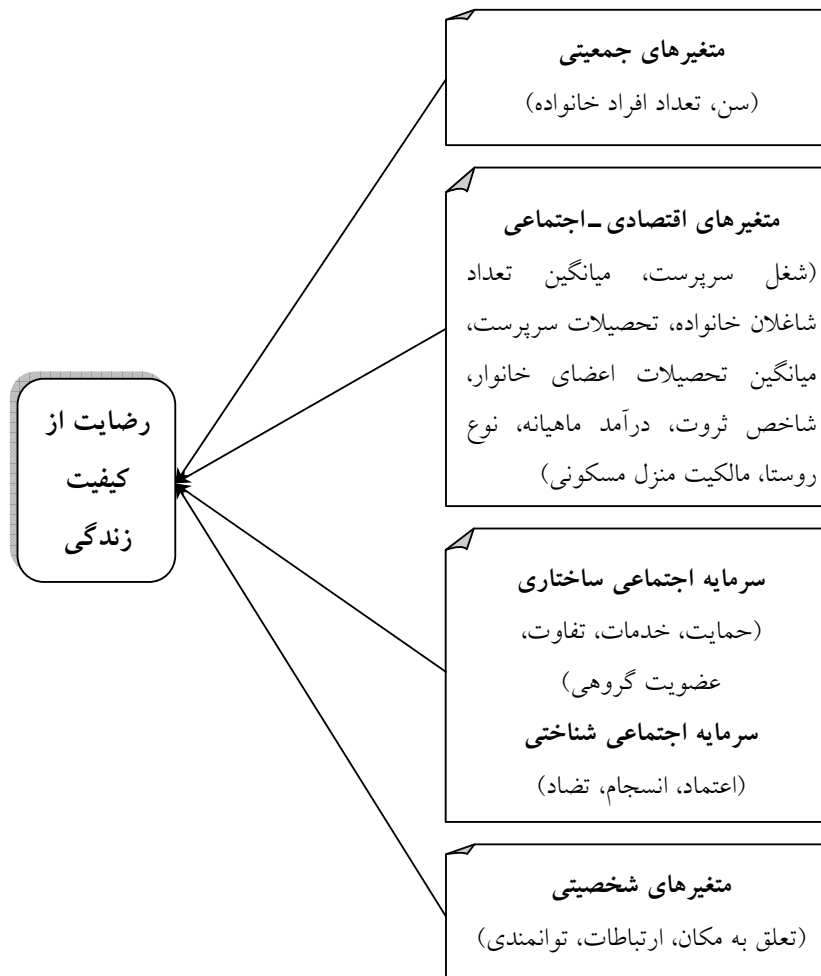
مدل نظری تحقیق و فرضیات

برای ارزیابی تأثیر متغیرهای جمعیتی، اقتصادی-اجتماعی، شخصیتی، و سرمایه اجتماعی در دو شکل ساختاری و شناختی بر رضایت از کیفیت زندگی، مدلی به صورت زیر در نظر گرفته شد (شکل ۱). با توجه به مطالب ذکر شده در قسمت‌های قبل و مدل تحقیق یاد شده، فرضیات زیر طرح شده‌اند:

- ۱- بین سطح تحصیلات فرد و میزان رضایت او از کیفیت زندگی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین میانگین تحصیلات خانواده فرد و میزان رضایت او از کیفیت زندگی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین شغل فرد و میزان رضایت او از کیفیت زندگی رابطه وجود دارد.
- ۴- بین تعداد شاغلان خانواده فرد و میزان رضایت او از کیفیت زندگی رابطه وجود دارد.
- ۵- بین مالکیت منزل مسکونی فرد و میزان رضایت او از کیفیت زندگی رابطه وجود دارد.
- ۶- بین میزان درآمد ماهیانه فرد و میزان رضایت او از کیفیت زندگی رابطه وجود دارد.
- ۷- بین شاخص ثروت فرد و میزان رضایت او از کیفیت زندگی رابطه وجود دارد.
- ۸- بین سن فرد و میزان رضایت او از کیفیت زندگی رابطه وجود دارد.
- ۹- بین تعداد افراد خانواده فرد و میزان رضایت او از کیفیت زندگی رابطه وجود دارد.
- ۱۰- بین نوع روستا به لحاظ امکانات توسعه و میزان رضایت او از کیفیت زندگی رابطه وجود دارد.
- ۱۱- بین شاخص تعلق به مکان فرد و میزان رضایت او از کیفیت زندگی رابطه وجود دارد.
- ۱۲- بین شاخص ارتباطات فرد و میزان رضایت او از کیفیت زندگی رابطه وجود دارد.

- ۱۳- بین شاخص توانمندی فرد و میزان رضایت او از کیفیت زندگی رابطه وجود دارد.
- ۱۴- بین شاخص عضویت گروهی و میزان رضایت او از کیفیت زندگی رابطه وجود دارد.
- ۱۵- بین شاخص حمایت و میزان رضایت او از کیفیت زندگی رابطه وجود دارد.
- ۱۶- بین میزان خدمات و رضایت از کیفیت زندگی رابطه وجود دارد.
- ۱۷- بین میزان تفاوت و رضایت از کیفیت زندگی رابطه وجود دارد.
- ۱۸- بین میزان اعتماد و رضایت از کیفیت زندگی رابطه وجود دارد.
- ۱۹- بین میزان انسجام و رضایت از کیفیت زندگی رابطه وجود دارد.
- ۲۰- بین میزان تضاد و رضایت از کیفیت زندگی رابطه وجود دارد.

شکل ۱- مدل نظری تحقیق



منبع: نگارندگان

ادبیات تجربی تحقیق

غفاری و اونق در تحقیقی به بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در شهر گنبد کاووس پرداختند. سه محله مختلف شهر گنبد کاووس محل‌های تحقیق آنها را تشکیل می‌دادند و آنها برای سنجش کیفیت زندگی از شاخص‌هایی مانند وضعیت سلامت و تغذیه، وضعیت آموزش، گذران اوقات فراغت، کیفیت مادی، کیفیت محیطی، و بهزیستی روانی، و برای سنجش سرمایه اجتماعی از شاخص‌هایی مانند اعتماد اجتماعی، ارتباط بده بستان، امنیت محلی و کیفیت دسترسی به خدمات عمومی استفاده کردند. یافته‌های این تحقیق نشان داد که رابطه بین دو سازه سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه معنی دار بوده و سرمایه اجتماعی بر مبنای چهار سنجه امنیت محلی، بده بستان، تصور نسبت به محله، و عضویت انجمنی ۳۶ درصد تغییرات کیفیت زندگی را تبیین کرده است (غفاری و اونق، ۱۳۸۵).

نیلسون و همکاران هم در تحقیقی به بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی سالمندان در روستاهای بنگلادش پرداخته‌اند. هدف اصلی این محققان تشخیص عوامل تعیین‌کننده تأثیرگذار بر کیفیت زندگی بود، و تحقیق در مورد همبستگی بین کیفیت زندگی و سطح فردی و جمعی سرمایه اجتماعی در میان سالمندان در روستاهای بنگلادش صورت می‌گرفت. آنها برای جمع‌آوری اطلاعات یک نمونه ۱۱۳۵ نفری از روستاییان سالمند با سن بالای ۶۰ سال را انتخاب کردند و با استفاده از پرسشنامه، به مصاحبه با آنها پرداختند. متغیرهای مستقل این تحقیق را سن، جنس، تحصیلات، پایگاه اقتصادی افراد سالمند، و سرمایه اجتماعی در سطح روستا و فرد تشکیل می‌دادند، و متغیر وابسته نیز کیفیت زندگی بود که با نظر خود سالمندان مشخص می‌شد (Nillson et al. 2006).

با استفاده از رگرسیون لجستیک، محققان به شناسایی عوامل تعیین‌کننده در کیفیت زندگی پرداختند؛ نتایج نشان داد که سن بالا، پایگاه اقتصادی ضعیف خانواده، و میزان پایین سرمایه اجتماعی در سطح فرد و روستا عوامل تعیین‌کننده در کیفیت

زندگی ضعیف در بین سالمندان به شمار می‌رود؛ و نیز سرمایه اجتماعی در سطح فرد و روستا به‌طور مستقیم با کیفیت زندگی سالمندان در روستاهای بنگلادش در ارتباط است (همان).

وان‌ها و همکاران در تحقیقی به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفاه خانواده‌ها در یک روستای ویتنام پرداخته‌اند. موضوعات اصلی مورد بررسی عبارت بود از اینکه سهم سرمایه اجتماعی در دستاوردهای اقتصادی بالاتر از گونه‌های دیگر سرمایه است یا نه؛ نقش سرمایه اجتماعی در میان خانوارهای مختلف متفاوت است یا نه؛ و همچنین، ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی به‌طور مساوی بر درآمد خانوار تأثیر می‌گذارد یا نه. آنها با یک مدل اقتصاد سنجی به بررسی این موضوعات پرداختند و سرمایه اجتماعی را به مثابه یک عامل تولیدی، مانند عوامل مرسوم دیگری چون عوامل مادی، نیروی انسانی، و سرمایه انسانی، در نظر گرفتند. در این تحقیق، درآمد خانوار و هزینه‌ها متغیرهای وابسته به حساب می‌آمد. نتایج تحقیق نشان داد که سرمایه اجتماعی تأثیری قوی و مثبت بر درآمد خانوار دارد اما بر خلاف مطالعات دیگر، تعداد عضویت در انجمن‌ها بر درآمد خانوارها اثری نداشته است (Van ha et al. 2004).

یاجون لی و همکاران به بررسی ابعاد تأثیر سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی بر کیفیت زندگی در انگلستان می‌پردازند. محققان با استفاده از پیمایش خانوار در انگلستان، نخست ابعاد سازنده سرمایه اجتماعی را شناسایی می‌کنند، و سپس به بررسی تأثیر آن بر درک مردم از اعتماد و کیفیت زندگی می‌پردازند. آنها در تحلیل خود از نتایج تحقیق چنین عنوان می‌کنند که مجراهای غیر رسمی سرمایه اجتماعی نقش مهم‌تری در تأثیرگذاری بر درک مردم از اعتماد و کیفیت زندگی دارند (Li et al. 2005).

در تحقیقی فلیکس ریکونا به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رضایت و کیفیت زندگی در محیط کار در اسپانیا می‌پردازد. او برای سرمایه اجتماعی پنج بعد در نظر می‌گیرد: اعتماد، روابط اجتماعی، تعهد، ارتباطات، و نفوذ (Requena, 2003). این محقق با استفاده از داده‌های پیمایش کیفیت زندگی موضوع را بررسی و در نتیجه‌گیری چنین

عنوان می‌کند که مدل به کار گرفته شده برای این کار از نظر آماری تأیید شده و توان واریس قضا یا را داشته است. سطح بالای سرمایه اجتماعی سطح بالاتری از رضایت شغلی و کیفیت زندگی را در محیط کار ایجاد می‌کند. سرمایه اجتماعی پیش‌بینی‌کننده‌ای بهتر برای کیفیت زندگی در محیط کار و رضایت شغلی نسبت به خصوصیات کارگران، شرکت یا سازمان و محیط کار است (همان).

هیلی در رساله دکترای خود به بررسی ارتباط بین توانایی‌های انسان، که آن را در قالب سرمایه اجتماعی و انسانی دیده است، و بهزیستی ذهنی افراد در ایرلند می‌پردازد. ماهیت بهزیستی انسان و عاملیت مواردی است که این تحقیق به دنبال بررسی آن است. تحلیل نتایج نشان می‌دهد که منابع و توانایی‌ها (سرمایه اجتماعی و انسانی) با بهزیستی ذهنی افراد، که بر اساس نیازها و اهداف فرد تعریف می‌شود، ارتباطی تنگاتنگ دارد (Healy, 2005).

پاتنام در تحقیق خود بین شاخص سرمایه اجتماعی و شاخص رفاه کودکان در ایالت متحده ارتباطی قوی و مثبت پیدا می‌کند. شاخص رفاه کودکان مواردی چون مرگ و میر نوزادان، نرخ نوجوانان بزهکار، نرخ فقر، ترک تحصیل، بیکاری جوانان، و جنایت را شامل می‌شود (Putnam, 2000). در یک تحقیق، رز به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و سلامت در روسیه پرداخت. این محقق بدین نتیجه دست یافت که شاخص‌های گوناگون سرمایه اجتماعی عوامل تعیین‌کننده‌ای مهم برای سلامت جسمانی و احساسی ارزیابی‌شونده از نظر خود شخص به شمار می‌روند. ۱۸ شاخص سرمایه اجتماعی به کار گرفته شده در تحقیق ۱۶ درصد تغییر در سلامت جسمانی و احساسی را توضیح می‌دهد. بعد از بازبینی متغیرهایی مانند سن، جنس، آموزش، و درآمد خانوار، بار دیگر مشخص شد که سرمایه اجتماعی تأثیری مهم بر سلامت جسمانی و احساسی دارد (Rose, 2000).

روش تحقیق

در این تحقیق، از روش پیمایشی برای بررسی موضوع استفاده خواهد شد. روش پیمایشی یکی از معمول‌ترین روش‌ها در جامعه‌شناسی است؛ و علت انتخاب آن در این تحقیق، وسعت جامعه مورد نظر و تعدد متغیرهایی است که باید سنجیده می‌شد. همچنین، روش پیمایشی به لحاظ صرفه جویی، سرعت عمل در جمع‌آوری داده‌ها، و نیز قابلیت آن در شناسایی ویژگی‌های جمعیت بر اساس نمونه‌ای از اعضای آن، مناسب‌ترین روش برای این کار به شمار می‌رود. روش مورد استفاده در این تحقیق، پیمایش مقطعی خواهد بود و خانوارهای منتخب از روستاهای نمونه‌گیری شده از طریق مصاحبه و با استفاده از پرسشنامه مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

نمونه‌گیری

جامعه آماری

مناطق روستایی استان فارس جامعه هدف این تحقیق را تشکیل می‌دهند. جامعه مورد بررسی را می‌توان به دو سطح روستا و خانوار تفکیک کرد. بنابراین، در سطح جامعه روستایی، روستاهای استان فارس و در سطح خانوار، سرپرست خانوارها واحد تحقیق می‌باشند.

جامعه آماری روستاهای استان فارس

بر طبق نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵، استان فارس شامل ۱۶ شهرستان، ۶۰ بخش، ۱۸۵ دهستان، و ۴۳۹۳ آبادی دارای سکنه بوده است. در این آبادی‌ها، ۲۹۷۱۴۹ خانوار با جمعیتی بالغ بر ۱۵۹۸۹۱۳ نفر زندگی می‌کنند. اما با بررسی صورت گرفته مشخص شد که تنها ۲۷۳۵ آبادی دارای سکنه دائمی است و بقیه آبادی‌ها شرایط مسکونی

موسمی دارند و از این رو، برای این تحقیق مناسب نمی‌باشند. بنابراین، همان ۲۷۳۵ آبادی دارای سکنة دائمی جامعه آماری این تحقیق را تشکیل می‌دهند.

تعیین حجم نمونه و روش نمونه‌گیری برای روستاها

چنانچه گفته شد جامعه آماری این تحقیق را ۲۷۳۵ آبادی تشکیل می‌دهند. به لحاظ بالا بودن تعداد روستاها، برای تعیین حجم نمونه از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده چند مرحله‌ای استفاده شد؛ بدین صورت که در اولین مرحله، بر اساس حجم نمونه لین که برای جوامع ناهمگون محاسبه شده است، با سطح اطمینان ۹۵ درصد و نقاط بین ± 5 ، تعداد ۳۵۰ روستا از ۲۷۳۵ روستا به عنوان نمونه انتخاب شدند (Lin, 1977)؛ و به لحاظ اینکه ممکن بود تعدادی از روستاها از نظر جمعیت و عوامل دیگر مشکلی داشته باشند، ۱۵ روستا بیشتر در نظر گرفته شد و در مجموع، ۳۶۵ روستا به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. سپس برای تعیین این تعداد روستا، نخست به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده در ابتدا فهرست ۲۷۳۵ روستا تهیه و بعد با استفاده از اعداد تصادفی، ۳۶۵ روستا از آن میان تعیین شدند. در مرحله بعد، به لحاظ اهمیت سطح توسعه برای این تحقیق، با روش تحلیل خوشه‌ای که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم، تعداد ۱۲ روستا انتخاب شدند.

تحلیل خوشه‌ای

تحلیل خوشه‌ای^(۱) از مهم‌ترین روش‌های علمی است که برای دسته‌بندی گروه‌هایی با ویژگی‌های مشترک به کار می‌رود. این روش در رشته‌ها و موضوعاتی گوناگون مانند پزشکی، میکروبیولوژی، برنامه‌ریزی، اقتصاد، و تجارت کاربرد نسبتاً زیادی دارد. در واقع، کار اصلی این روش تعیین دسته‌های مشابه و همگن است (سازمان برنامه و بودجه استان فارس، ۱۳۷۳).

سطح توسعه یا امکانات توسعه‌ای شاخصی بود که برای همگن‌سازی ۳۶۵ روستا در نظر گرفته شد. برای همگن‌سازی این تعداد روستا در سه دسته با امکانات توسعه‌ای کم، متوسط، و بالا، شاخص‌های مورد استفاده عبارت‌اند از: تعداد جمعیت، درصد جمعیت باسواد، درصد جمعیت شاغل، برخورداری از راه‌های ارتباطی، برخورداری از تسهیلات بهداشتی، برخورداری از امکانات پستی و مخابراتی، سطح زیر کشت زمین آبی، سطح زیر کشت زمین دیم، سطح زیر کشت باغ آبی، سطح زیر کشت باغ دیم، و تعداد واحد دامی. البته باید گفت که برخی از این متغیرها گروه‌بندی شده و از مجموع متغیرهای دیگر ساخته شده‌اند. پس از گروه‌بندی، به متغیرهای مهم ضریب داده شد؛ مثلاً برای مرکز بهداشتی و درمانی ضریب ۲ و برای پزشک ضریب ۳ در متغیرهای بهداشتی، و برای سطح زیر کشت آبی نیز ضریب ۴ در نظر گرفته شد.

پس از گروه‌بندی متغیرها، تشکیل متغیرهای ترکیبی و ضریب دادن به آنها، پرونده اطلاعاتی برای ۳۶۵ روستا تشکیل شد. با توجه به حجم بالای اطلاعات، برای تحلیل خوشه‌ای داده‌ها وارد برنامه SPSS شد. فرآیند تحلیل خوشه‌ای بدین صورت است که در ابتدا داده‌ها برای یکدست شدن و قابل مقایسه بودن به ماتریس استاندارد Z تبدیل می‌شوند و سپس ماتریس فواصل مرکب تشکیل می‌شود، در روش تجزیه و تحلیل خوشه‌ای، مفاهیم «تشابه» و «فاصله» اهمیت بسیار زیادی دارند و دسته‌بندی موارد بیشتر بر اساس تشابه یا نزدیکی به یکدیگر انجام می‌گیرد. در این نوع تحلیل، موارد دارای کمترین فاصله با یکدیگر در یک گروه واقع می‌شوند.

در این روش، شیوه‌های متفاوتی برای انجام دسته‌بندی وجود دارد که ساده‌ترین آن، اتصال زنجیره‌ای یا نزدیک‌ترین همسایگی است و برای این کار، تعداد ۳ طبقه یا دسته در نظر گرفته شد. بر اساس روش تحلیل خوشه‌ای، روستاها به سه خوشه روستاهای با امکانات توسعه‌ای بالا، متوسط، و پایین دسته‌بندی شدند.

بعد از تعیین سه خوشه یاد شده، از درون هر کدام از خوشه‌ها به علت محدودیت زمانی و مالی ۴ روستا و در مجموع ۱۲ روستا انتخاب شدند. نحوه انتخاب ۴ روستا از درون سه دسته همگن بدین صورت بود که روستاهای درون هر خوشه به چهار چارک، بر اساس نمره آنها، تقسیم‌بندی و از هر چارک نیز یک روستا انتخاب شد. البته سوازی این ملاک، رعایت پراکندگی از نظر جغرافیایی و میزان جمعیت هم مد نظر قرار گرفت (جدول ۱).

جدول ۱- روستاهای نمونه تحقیق و تعداد خانوار و جمعیت

تعداد جمعیت	تعداد خانوار	شهرستان	نام روستا	
۲۴۰۰	۴۰۳	کازرون	روستاهای با امکانات توسعه‌ای بالا	بلیان
۲۵۸۶	۵۲۸	فسا		اکبرآباد
۲۲۸۴	۴۸۳	نی ریز		دهمورد
۵۹۷۸	۱۱۶۴	شیراز		لپویی
۴۹۶	۸۸	فیروزآباد	روستاهای با امکانات توسعه‌ای متوسط	مهکویه سفلی
۷۰۹	۱۲۷	سپیدان		اسفیان
۱۴۵۱	۳۰۴	شیراز		محمودآباد
۱۶۲۵	۲۹۵	فسا		نصیرآباد
۱۱۶	۲۵	بوانات	روستاهای با امکانات توسعه‌ای پایین	ابونصر
۵۵۰	۱۰۳	ممسنی		شیراسپاری
۴۰۱	۷۶	جهرم		گودزاغ
۶۰۳	۹۶	داراب		بیاده
۱۹۱۹۹	۳۶۹۲	-	-	جمع

منبع: یافته‌های پژوهش

جامعه آماری خانوارهای روستایی و حجم نمونه

تعداد خانوارهای روستاهای منتخب برابر با ۳۶۹۲ خانوار است. با استفاده از حجم نمونه مناسب لین با سطح اطمینان ۹۵ درصد و نقاط بین ± 5 ، تعداد ۵۰۹ خانوار از ۳۶۹۲ خانوار به عنوان افراد نمونه انتخاب شدند. برای مشخص کردن سهم هر کدام از سه دسته روستا و سپس هر روستا بدین گونه عمل شد که ابتدا سهم هر کدام از سه دسته روستا از تعداد کل خانوار مشخص و سپس به نسبت سهم نمونه مورد نظر تعیین گردید. اما نکته‌ای که در اینجا مشخص شد، این بود که اگر به نسبت سهم هر کدام از سه دسته روستا می‌خواستیم نمونه را تخصیص دهیم، نزدیک ۷۰ درصد نمونه به روستاهای با امکانات توسعه‌ای بالا، ۲۲ درصد به روستاهای با امکانات توسعه‌ای متوسط، و تنها ۸ درصد به روستاهای با امکانات توسعه‌ای پایین تعلق می‌گرفت. لذا بدین شکل عمل شد که حدود ۵۱ درصد نمونه به روستاهای دسته اول، ۳۰ درصد به روستاهای دسته دوم، و ۱۸ درصد به روستاهای دسته سوم تعلق گرفت. در مرحله بعد، با توجه به حجم خانوار و برقرار کردن رابطه تناسب، تعداد خانوار برای هر روستا مشخص شد که نتایج آن در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲- تعداد نمونه خانوار در هر کدام از روستاها

تعداد نمونه	تعداد خانوار	نام روستا	
۴۸	۴۰۳	روستاهای با امکانات توسعه‌ای بالا	بلیان
۵۲	۵۲۸		اکبرآباد
۴۷	۴۸۳		دهمورد
۱۱۱	۱۱۶۴		لپویی
۲۵۸	۲۵۷۸	-	جمع
۱۸	۸۸	روستاهای با امکانات توسعه‌ای متوسط	مهکویه
			سفلی
۲۰	۱۲۷		اسفیان
۶۰	۳۰۴		محمودآباد
۵۸	۲۹۵		نصیرآباد
۱۵۶	۸۱۴	-	جمع
۸	۲۵	روستاهای با امکانات توسعه‌ای پایین	ابونصر
۳۲	۱۰۳		شیراسپاری
۲۵	۷۶		گودزاغ
۳۰	۹۶		بیاده
۹۵	۳۰۰	-	جمع
۵۰۹	۳۶۹۲	-	جمع کل

منبع: یافته‌های پژوهش

انتخاب افراد نمونه (سرپرستان خانواده)

پس از تعیین تعداد افراد نمونه در هر روستا، فهرست تمامی خانوارهای روستا از خانه بهداشت یا شورای روستا تهیه می‌شد و سپس با توجه به حجم نمونه مرتبط با روستای موردنظر، تعداد نمونه بر تعداد خانوار تقسیم و عدد به‌دست آمده به عنوان مبنای حرکت در فهرست خانوار در نظر گرفته می‌شد؛ مثلاً اگر تعداد نمونه ۴۸ و تعداد خانوار ۴۰۳ بود، عدد ۱۱ به‌دست می‌آمد. بعد برای اینکه اولین عدد را در فهرست خانوار مشخص کنیم، یک قرعه کشی بین اعداد یک تا یازده صورت می‌گرفت و عدد به‌دست آمده به عنوان اولین عدد در نظر گرفته می‌شد؛ مثلاً ۳ که نفر اول را معین می‌کرد و سپس عدد سه با یازده جمع می‌شد و نفر دوم نمونه می‌شد ۱۴ و به همین ترتیب جهت تمامی ۱۲ روستا عمل و افراد نمونه مشخص شدند و جهت تکمیل پرسشنامه‌ها، طی یک ماه توسط محقق و افراد پرسشگر آموزش دیده با آنها مصاحبه به عمل آمد.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

در این تحقیق، برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شد. طی سال‌های گذشته، برای سنجش میزان سرمایه اجتماعی، عوامل تعیین‌کننده آن، و همچنین سطح توسعه و رفاه، ابزارهای مختلفی در قالب پرسشنامه طراحی و در نقاط مختلف اعم از شهری یا روستایی به‌کار گرفته شده است. در این تحقیق، از پرسشنامه بانک جهانی و گروه مربوط به بحث سرمایه اجتماعی استفاده شد. البته هر چند، این پرسشنامه در جوامع روستایی کشورهای در حال توسعه به‌کار برده شده و اعتباریابی شده بود، اما سعی شد که برای به‌کارگیری در روستاهای استان فارس جرح و تعدیل و در مواردی تکمیل شود.

از این رو، بدین منظور، موضوع پرسشنامه به افراد صاحب‌نظر داده شد و پس از اعمال نظر آنها، یک آزمون مقدماتی روی آن صورت گرفت و پس از اعمال اصلاحات،

جهت به‌کارگیری در محیط تحقیق نهایی شد. از طرف دیگر، برخی اطلاعاتی که در پرسشنامه وجود نداشت و برای این تحقیق ضروری بود هم بدان اضافه شد. به غیر از پرسشنامه خانوار، پرسشنامه‌های ویژه هر روستا نیز در نظر گرفته شد که اطلاعات کلی روستا و مواردی را هم در مورد سرمایه اجتماعی و وضعیت عمومی روستا دربر داشت و برای تکمیل اطلاعات پرسشنامه خانوار مفید بود. این پرسشنامه‌ها به کمک افراد مطلع هر روستا تکمیل گردید.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

در این تحقیق، دو دسته متغیر در نظر گرفته شده است: متغیرهای مستقل و متغیر وابسته. متغیرهای مستقل چهار دسته‌اند: جمعیتی، اقتصادی - اجتماعی، شخصیتی، و سرمایه اجتماعی. متغیر وابسته هم رضایت از کیفیت زندگی است، که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

الف - متغیرهای مستقل

همان‌طور که گفته شد، این متغیرها چهار دسته‌اند که عبارت‌اند از: متغیرهای جمعیتی (سن سرپرست، تعداد اعضای خانواده)، متغیرهای اقتصادی - اجتماعی (تحصیلات سرپرست، میانگین تحصیلات خانواده، مالکیت منزل مسکونی، میزان درآمد، شاخص ثروت، شغل سرپرست، میانگین تعداد شاغلان خانواده، نوع روستا)، متغیرهای شخصیتی (تعلق به مکان، ارتباطات، توانمندی)، و سرانجام متغیر سرمایه اجتماعی، که در ادامه ابتدا به تعریف مفهومی و سپس به تعریف عملیاتی آنها می‌پردازیم.

متغیرهای جمعیتی

این متغیرها را می‌توانیم بدین‌گونه تعریف مفهومی و عملیاتی کنیم؛ سن سرپرست: تعداد سال‌هایی که از تولد فرد می‌گذرد، که در سطح فاصله‌ای با پرسش از افراد اندازه‌گیری شد؛ تعداد اعضای خانواده: مجموعه افراد یک خانواده اعم از پدر و مادر و فرزندان، که با پرسش از سرپرست اندازه‌گیری شده است.

متغیرهای اقتصادی - اجتماعی

تحصیلات: میزان تحصیلات که به تعداد سال‌های تحصیل یک فرد اطلاق می‌شود، برای سرپرست و کلیه اعضای خانوار در قالب یک پرسش عنوان شد. نوع روستا: همان‌طور که در قسمت نمونه‌گیری گفته شد، بر اساس شاخص‌های توسعه، روستاها به سه نوع با امکانات توسعه‌ای پایین، متوسط، و بالا تقسیم‌بندی شدند. شاخص ثروت: در پرسشنامه، سؤالاتی در مورد دارایی‌های خانوار و قیمت به‌روز آن عنوان شده بود. با جمع قیمت این دارایی‌ها شاخص ثروت برای هر خانوار محاسبه شد. متغیرهای دیگر اقتصادی - اجتماعی شامل مالکیت منزل مسکونی، شغل سرپرست، تعداد شاغلان خانواده، و درآمد ماهیانه، نیازی به تعریف مفهومی و عملیاتی ندارد.

متغیرهای شخصیتی

تعلق به مکان: ارتباطات بین مردم با مکان از طریق مفاهیم متفاوتی توضیح داده می‌شود. یکی از این مفاهیم که زیاد هم کاربرد دارد، مفهوم تعلق به مکان است (Payton, 2003). البته برخی مفهوم دیگری را با عنوان «تعلق به اجتماع» به جای تعلق به مکان به کار گرفته‌اند. با توجه به تعریف‌های متعددی که از این مفهوم شده، در این تحقیق تعریف ویلیامز و استیوارت به نقل از پیتون را به منزله تعریف مفهومی منتخب برگزیده‌ایم: «مجموعه‌ای از معانی، باورها، نمادها، ارزش‌ها، و احساسات که افراد یا

گروه‌ها را به یک مکان به‌خصوص پیوند می‌زند (همان). در ادبیات مربوط بدین موضوع، دو مفهوم در ارتباط با تعلق به مکان وجود دارد: تعلق به مکان کارکردی و تعلق به مکان احساسی.

تعلق به مکان کارکردی: « تعلق به مکان کارکردی یا وابستگی به محیط به توانایی منابع برای نیازهای افراد و اهداف آنها اشاره دارد» (همان: ص ۷). تعلق به مکان کارکردی از دو عامل تأثیر می‌پذیرد: ۱- کیفیت مکان، که خود متأثر از میزان رضایت استفاده‌کنندگان برای رفع نیازهای آنهاست، و ۲- کیفیت مکان که خود متکی بر مقایسه این مکان با مکان‌های قابل دسترس دیگر است.

تعلق به مکان احساسی: تعلق به مکان احساسی یا هویت مکان، به جنبه‌های احساسی ارتباط بین شخص و مکان برمی‌گردد و اینکه چگونه مکان در هویت خود افراد مشارکت می‌کند (همان). مکان‌ها نه تنها برای افراد در برآوردن نیازها و دسترسی به اهدافشان فرصت‌هایی را فراهم می‌آورند، بلکه بخشی از هویت افراد نیز به شمار می‌آیند، بنابراین، وابستگی احساسی قوی بین شخص و مکان‌های به‌خصوص به‌وجود می‌آید (همان). در این تحقیق، تعلق به مکان در شکل کارکردی و احساسی آن در قالب نه‌گویه مانند «من احساس می‌کنم که به این روستا تعلق دارم» سنجیده شده است.

ارتباطات: « ارتباط عبارت است از انتقال معانی یا پیامی از طریق نمادهایی چند. زمانی که انسان‌ها از طریق نمادها به تأثیر بر یکدیگر می‌پردازند، در ارتباط با یکدیگر قرار گرفته‌اند» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۱۵). نارایان و کاسیدی در تحقیقی که برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی در غنا و اوگاندا انجام دادند، پس از جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آنها به روش تحلیل عوامل، بدین نتیجه رسیدند که ارتباط یکی از عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی است (Narayan and Cassidy, 2001). این ارتباط با مواردی مانند گوش دادن به رادیو، تماشای تلویزیون، خواندن روزنامه، و داشتن راه دسترسی مناسب سنجیده خواهد شد.

برای عملیاتی کردن متغیر ارتباطات خواندن روزنامه، گوش دادن به رادیو، تماشای تلویزیون، تلفن زدن، منابع کسب اطلاعات در مورد کارهای دولت و بازار، دسترسی مناسب به جاده اصلی، و میزان مسافرت به صورت پرسش‌هایی مورد سنجش قرار گرفت.

توانمندی یا توانمندسازی

توانمندسازی را می‌توانیم این‌گونه تعریف کنیم: «توانمندسازی به معنای ایجاد قدرت قانونی برای تواناسازی و تفویض اختیار به مردم است» (زاهدی، ۱۳۸۲: ۲۷۵). در تعریفی دیگر، چنین آمده است: توانمندسازی را می‌توانیم به عنوان افزایش ظرفیت افراد یا گروه‌ها برای به وجود آوردن توسعه‌ای مؤثرتر و انتخاب‌های زندگی و انتقال این انتخاب‌ها به سمت کنش‌های موردنظر و نتایج تعریف کنیم (Krishna, 2002). همچنین، بر اساس تعریف بانک جهانی، توانمندسازی را می‌توان به گسترش دارایی‌ها و توانایی‌های مردم جهت مشارکت در، چانه‌زنی با، نفوذ، کنترل، و تأسیس نهادهای پاسخگو، که بر زندگی آنها اثر می‌گذارد، اطلاق کرد (World Bank, 2002). توانمندسازی از طریق دامنه وسیعی از اعمال، مانند تأسیس نهادهای دولتی پاسخگوی فقرا، حذف موانع اجتماعی، و ایجاد فرصت‌های اجتماعی محقق می‌شود. در این تحقیق، دامنه محدودتری برای این مفهوم در نظر گرفته شده و درمورد توانمندی، توانایی مردم برای گرفتن تصمیماتی سنجیده شده است که بر زندگی آنها اثر می‌گذارد و قادر به تغییر آن است. جهت عملیاتی کردن و اندازه‌گیری توانمندی از سه گویه استفاده شد که میزان شادی، کنترل بر تصمیمات، و توانایی تغییر زندگی را می‌سنجند.

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی هم یکی دیگر از متغیرهای این تحقیق است. در مورد سرمایه اجتماعی در متون مرتبط با این موضوع تعاریف گوناگون ارائه می‌شود. محققان در مورد این

گوناگونی دلایل مختلفی ارائه کرده‌اند، گروتارت و باستلائر معتقدند که تحقیقات در مورد سرمایه اجتماعی به‌طورنسبی جدید به شمار می‌رود. اگر چه ریشه‌های این اصطلاح به اوائل قرن بیستم و تا حدودی هم قرن نوزدهم باز می‌گردد، اما تازه در بیست سال انتهایی قرن بیستم بود که این اصطلاح توجه محققان و کارورزان توسعه در زمینه‌های متفاوت تحقیقی را به خود جلب کرد؛ و تعجبی ندارد که یک تعریف مورد قبول برای سرمایه اجتماعی نداشته باشیم؛ و با آگاهی از کاربرد چندرشته‌ای آن، رشد تفاسیر و تعاریف متفاوت این مفهوم روشن می‌شود (Grootaert and Bastelaer, 2002).

محققان دیگر هم به نکاتی اشاره کرده‌اند، از جمله وجود سنت‌های نظری متفاوتی که در پشت این مفهوم قرار دارد (OECD, 2001). از این سنت‌های نظری می‌توان با این اصطلاحات یاد کرد: رهیافت اقتصادی که روی افراد تمرکز دارد؛ رهیافت سیاسی که بر نقش نهادها و هنجارهای اجتماعی و سیاسی تأکید می‌کند؛ رهیافت جامعه‌شناسانه که بر برخی جنبه‌های سازمان‌های اجتماعی مانند اعتماد، کنش متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی تأکید می‌گذارد؛ و رهیافت انسان‌شناسی که برای رفتار جمعی انسان یک بنیان زیست‌شناسانه قائل است. اما همان‌گونه که گفته شده است، با این وجود، مضامین مشترکی بین همه آنها وجود دارد (Productivity Commission, 2003).

آپهوف و ویجایارانتا می‌گویند: «اگر سرمایه اجتماعی چیزی بیشتر از یک استعاره باشد، پس باید به چیزهایی برگردد که قابل مشاهده و اندازه‌گیری باشند» (Uphoff and Wijayaranta, 2000). آپهوف در جایی دیگر در مورد سرمایه اجتماعی می‌گوید: «سرمایه اجتماعی یک دارایی است که دارای دو جزء ساختاری و شناختی بوده، که جزء ساختاری کنش جمعی دارای منافع دو طرفه را تسهیل کرده و جزء شناختی وابستگی متقابل مثبت را برای کنش جمعی دو طرفه خلق و تقویت می‌کند (Uphoff, 2000: 218).

تعریف منتخب این تحقیق همین تعریف آپهوف است که در مدل تحقیق هم بدان اشاره شد. سرمایه اجتماعی طبق این تعریف دارای دو بعد ساختاری و شناختی است و

خود این ابعاد هم زیرمجموعه‌هایی دارند. البته باید بین جنبه ساختاری و شناختی سرمایه اجتماعی تمایز قائل شد، چون بخش شناختی مردم را به سوی کنش جمعی سودمند دو طرفه ترغیب می‌کند، در حالی که عناصر ساختاری انجام چنین چیزی را تسهیل می‌کند. از این رو، باید برای عملیاتی کردن این مفهوم بدین نکته توجه کرد.

۱- شکل‌های ساختاری سرمایه اجتماعی

یعنی شبکه‌ها، نقش‌ها، قوانین، شیوه‌ها یا روش‌ها و رسوم یا کارهایی که پیش‌تر انجام می‌گرفت، به همان خوبی شبکه‌هایی است که کنش جمعی سودمند دو طرفه را تسهیل می‌کند، و این کار از طریق کاهش هزینه معاملات، هماهنگ‌سازی تلاش‌ها، و خلق انتظارات به وجود می‌آید؛ و در این راستا، دستاوردهای معینی را نیز به دنبال خود دارد (همان). شاخص‌هایی که با این تعریف می‌توان برای سرمایه اجتماعی ساختاری در نظر گرفت، به صورت زیر است:

عضویت گروهی: برای سنجش بُعد ساختاری سرمایه اجتماعی، شاخص‌هایی مانند عضویت در گروه‌ها و انجمن‌های محلی خود فرد و یا اعضای خانواده او در نظر گرفته شد. عضویت در گروه‌های مختلف، فعالیت در انجمن‌ها یا گروه‌ها، و مشارکت در تصمیم‌گیری، موارد دیگری بودند که برای این جنبه سرمایه اجتماعی ساختاری مدنظر قرار گرفتند. «آیا خود شما یا یکی از اعضای خانواده شما عضو گروه، سازمان یا انجمنی هستید؟»، این پرسشی است که برای سنجش شاخص عضویت در نظر گرفته شده بود. نوع سازمان، میزان مشارکت در گروه یا انجمن (رهبر، خیلی فعال، تا حدودی فعال، غیر فعال) از موارد دیگر سنجش این متغیر بود.

شبکه روابط و حمایت متقابل: برای سنجش حمایت متقابل و شبکه روابط، در مورد اینکه مردم این روستا در مواقع بحرانی مانند کم یا خراب شدن محصول، و بی معلم ماندن مدرسه روستا برای مدت طولانی، چه عکس‌العملی نشان می‌دهند از پاسخگویان پرسش‌هایی فرضی انجام شد. چنین موقعیت‌هایی نیاز به یک عمل جمعی دارد. گزینه‌های پاسخ از بدترین حالت که هیچ‌کس اقدامی نمی‌کند گرفته تا همه اقدام می‌کنند، در نظر گرفته شده بود که مورد اول بیانگر عدم وجود شبکه‌های حمایت‌کننده و حمایت متقابل و مورد دوم بیانگر شبکه روابط و حمایت متقابل قوی است.

محرومیت و خدمات: با طرح پرسش‌های موردنظر برای این قسمت، می‌توان به بررسی این موضوع پرداخت که چه کسی احساس می‌کند از عمل جمعی و دسترسی به خدمات کنار گذاشته شده است. از پاسخگویان خواسته می‌شد مشخص کنند که چه کسی در این روستا محروم شده یا کنار گذاشته شده است.

تفاوت: در این بخش از سرمایه اجتماعی ساختاری، میزان تفاوت در جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرد. هر چه این میزان بالاتر باشد، بیانگر ضعف سرمایه اجتماعی ساختاری خواهد بود. سؤالاتی در مورد میزان تفاوت موجود میان روستاییان، از نظر آموزش، ثروت، مالکیت زمین و ...، در نظر گرفته شده است که به سنجش این شاخص می‌پردازد.

۲- شکل‌های شناختی سرمایه اجتماعی

اما در مورد سرمایه اجتماعی شناختی، این نوع سرمایه به هنجارها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، و باورها برمی‌گردد. در پرسشنامه، شاخص‌های موردنظر برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی شناختی عبارت‌اند از: انسجام، اعتماد و همکاری یا تعاون، و حل تضادها.

انسجام اجتماعی: انسجام اجتماعی یعنی توافق جمعی میان اعضای یک جامعه که دستاورد پذیرش و درونی کردن نظام ارزشی و هنجاری یک جامعه و وجود توافق جمعی (احساس ما کردن) و تراکمی از تعامل در میان افراد آن جامعه است (غفاری، ۱۳۷۹). انسجام یکی از جنبه‌های سرمایه اجتماعی شناختی است. این شاخص با حمایت دو جانبه که در قسمت سرمایه اجتماعی ساختاری در مورد آن صحبت شد، شباهت بسیاری دارد. در این قسمت، شرایط فرضی در پرسشنامه در قالب دو سؤال گنجانده شده بود؛ مثلاً با مرگ پدر یا کم شدن محصول فردی از افراد روستا و احتیاج به کمکی که او در این مقطع احساس کرده، آیا مردم روستا در چنین شرایطی به این فرد کمک می‌کنند و یا اینکه آیا فرد احساس می‌کند که در چنین شرایطی به او کمک می‌شود؟ شبکه افراد کمک دهنده هم در آنچه از افراد پرسیده می‌شد، در نظر گرفته شده است؛ در حالتی که فرد فقط به کمک خانواده و اقوام نزدیک خود متکی است یا حالتی که فرد احساس کند همه به او کمک می‌کنند، که درجه انسجام را نشان می‌دهد.

اعتماد و همکاری: اعتماد یک مفهوم انتزاعی به شمار می‌رود و سنجش آن دشوار است. یکی از دلایل آن، که پیشتر هم بدان اشاره شد، این است که اعتماد برای افراد متفاوت معانی متفاوتی دارد. برای سنجش اعتماد، بر دو گونه اعتماد تکیه شده است: اعتماد عام یعنی آن حدی که شخص به‌طور کلی به مردم اعتماد می‌کند، و اعتماد در زمینه مبادلات و معاملاتی مانند قرض دادن و قرض گرفتن، یا نگهداری از بچه‌های یکدیگر در صورت عدم حضور والدین. البته با شاخص‌هایی نه‌چندان آشکار مانند کار با یکدیگر یا کار به‌طور مجزا هم می‌توان میزان اعتماد را سنجید. در این تحقیق در قالب تعدادی گویه و به وجود آوردن شرایط فرضی موضوع اعتماد سنجیده شد.

تضاد و حل تضاد: اغلب وجود تضاد در یک روستا یا یک منطقه به منزله شاخص فقدان اعتماد یا فقدان سرمایه اجتماعی ساختاری برای حل تضادها در نظر گرفته می‌شود. با این شاخص، میزان تضاد موجود در روستا مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. برای تعیین وضعیت این شاخص، میزان تضاد، میزان کمک به اهداف مشترک، و میزان روابط هماهنگ در روستا با تعدادی سؤال مورد سنجش قرار گرفتند.

ب - متغیر وابسته

رضایت از کیفیت زندگی

بنا به تعریف، کیفیت زندگی یک مفهوم ذهنی و چند بُعدی است و آن را می‌توان ادراک افراد از موقعیت خود در زندگی در زمینه نظام فرهنگی و ارزشی‌ای که در آن زندگی می‌کنند و در ارتباط با اهداف، انتظارات و استانداردهای آنها دانست (Nillson et al. 2006). کیفیت زندگی ممکن است دو جنبه عینی و ذهنی پیدا کند که در جنبه عینی، شاخص‌هایی مانند تولید اقتصادی، نرخ باسوادی، انتظار از زندگی، یا دیگر داده‌ها بدون ارزشیابی ذهنی افراد را می‌توان سنجید؛ اما جنبه ذهنی عبارت است از کیفیت زندگی متکی بر ابزار پیمایش و مصاحبه برای به دست آوردن ارزیابی پاسخگویان از تجارب زندگی خود در قالب گزارش شخصی از رضایت‌مندی، شادی، رفاه، یا چیزهای شبیه به آن (Costanza et al. 2006).

جدول ۳- میزان رضایت افراد نمونه از موارد مختلف شاخص رضایت از کیفیت زندگی

جمع	خیلی ناراضی ام	ناراضی ام	متوسط	راضی ام	کاملاً راضی ام	
۱۰۰	۲۰/۷	۱۷/۷	۱۹/۷	۳۳/۷	۸/۲	رضایت از وضعیت خدمات و تسهیلات موجود
۱۰۰	۱۵/۲	۱۴/۱	۱۶/۱	۳۶/۵	۱۸/۱	رضایت از وضعیت زیست محیطی
۱۰۰	۱۳/۱	۱۷/۸	۳۰/۹	۳۲/۱	۶/۱	رضایت از وضعیت زیرساخت‌ها
۱۰۰	۱/۱	۷/۷	۱۳/۷	۶۴/۷	۱۱/۸	رضایت از فرآیند تصمیم‌گیری
۱۰۰	۵/۱	۲۱/۶	۶/۳	۴۹/۱	۱۷/۹	رضایت از وضعیت ایمنی
۱۰۰	۱۵	۳۹/۸	۱۱/۳	۳۰/۲	۳/۷	رضایت از وضعیت درآمد

* لازم به ذکر است که هر کدام از موارد ذکر شده در جدول حاوی سنجش ریزتری است که در اینجا آورده نشده است.

منبع: یافته‌های پژوهش

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

پس از جمع آوری اطلاعات و استخراج آن، داده‌ها برای تحلیل به نرم افزار SPSS منتقل، و در تحلیل یافته‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. در قسمت آمار توصیفی، وضعیت متغیرهای تحقیق یعنی عوامل تعیین کننده سرمایه اجتماعی، سرمایه اجتماعی، و دستاوردها و نتایج حاصل از سرمایه اجتماعی در روستاهای نمونه تحلیل شد؛ و برای تحلیل تأثیرات، چند نوع روش آماری مورد استفاده قرار گرفت، که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

ضریب همبستگی پیرسون

ضریب همبستگی پیرسون میزان همبستگی بین دو متغیر اسمی را محاسبه می‌کند و زمانی به کار می‌رود که خانه‌های جدول توافقی بیش از دو در دو باشد. در این تحقیق، برای تحلیل رابطه بین متغیرهای تعیین کننده یعنی نوع روستا، شاخص ثروت، درآمد ماهیانه، سن سرپرست، تحصیلات سرپرست، میانگین تحصیلات خانواده، شغل سرپرست، میانگین تعداد شاغلان خانواده، تعداد اعضای خانواده، مالکیت منزل مسکونی، تعلق به مکان، ارتباطات، توانمندی، و سرمایه اجتماعی و نیز رابطه بین سرمایه اجتماعی و متغیر وابسته رضایت از کیفیت زندگی، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

رگرسیون چند متغیری

رگرسیون چند متغیری روشی برای مطالعه سهم یک یا چند متغیر مستقل در پیش‌بینی متغیر وابسته است. در این تحقیق، برای مشخص کردن مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر متغیر وابسته از رگرسیون چند متغیری استفاده شد. برای بررسی تأثیر متغیرهای تعیین کننده بر سرمایه اجتماعی، و تأثیر سرمایه اجتماعی بر متغیر وابسته رضایت از کیفیت زندگی نیز از این روش آماری استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

در جدول زیر، آمار توصیفی متغیرهای به‌کار رفته در مدل تحقیق که در تحلیل رگرسیونی نیز به کار برده شده‌اند آمده است، که عبارت‌اند از وضعیت متغیرهای جمعیتی، اقتصادی - اجتماعی، شخصیتی، و سرمایه اجتماعی. لازم به یادآوری است که متغیرهای سرمایه اجتماعی و ارتباطات، توانمندی، و تعلق به مکان به گونه‌ای تبدیل شده‌اند که دامنه‌ای بین صفر تا صد پیدا کنند؛ و متغیر تحصیلات میانگین تحصیل سرپرست و خانواده او را نشان می‌دهد که بر اساس تعداد سال‌های تحصیل محاسبه می‌شود.

جدول ۴- وضعیت توصیفی متغیرهای مدل تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار
سن	۴۷	۱۳/۵
تعداد اعضای خانوار	۶/۴۷	۲/۵۲
تحصیلات سرپرست	۵	-
تحصیلات اعضای خانوار	۹	-
تعداد شاغلان خانوار	۲/۱۲	۱/۶۷
درآمد ماهیانه	۲۳۰۰۰۰	-
شاخص ثروت	۲۴/۳	۱۶/۹
تعلق به مکان	۶۶/۸	۲۰/۱
ارتباطات	۵۲/۴	۱۸/۱۳
توانمندی	۴۴/۱	۱۹/۲۵
عضویت گروهی	۳/۶	۱۰/۳
حمایت	۴۷/۳	۲۵/۸
تفاوت	۵۲/۶	۲۲/۴
اعتماد	۵۷/۸	۱۶/۶
انسجام	۶۶/۷	۲۱/۳۶
تضاد	۶۹/۷	۱۸/۷۵
رضایت	۴۷	۲۵/۸۲

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون فرضیه‌ها و تعیین روابط بین متغیرها

فرضیات این تحقیق از دو طریق ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیری مورد تحلیل قرار گرفتند. از بیست فرضیه که رابطه بین متغیرهای جمعیتی، اقتصادی - اجتماعی، شخصیتی و سرمایه اجتماعی را با متغیر وابسته رضایت از کیفیت زندگی می‌کردند، با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، ارتباط یازده متغیر با رضایت از کیفیت زندگی معنادار بود که عبارت‌اند از: تحصیلات فرد، شاخص ثروت، انسجام، تضاد، ارتباطات، توانمندی، تعلق به مکان، خدمات، حمایت، اعتماد، و درآمد ماهیانه در سطح اطمینان ۹۹ درصد؛ و ۹ متغیر مالکیت منزل مسکونی، نوع روستا، سن سرپرست، تفاوت، شغل سرپرست، میانگین تحصیلات اعضای خانواده، تعداد شاغلان خانواده، و تعداد اعضای خانواده با رضایت از کیفیت زندگی رابطه‌ای نداشته‌اند.

از یازده فرضیه تأیید شده، پنج مورد به شاخص‌های سرمایه اجتماعی مربوط بود؛ که در این میان، رابطه هر سه شاخص سرمایه اجتماعی شناختی (اعتماد، انسجام، تضاد) با رضایت از کیفیت زندگی تأیید شده و تنها دو مورد شاخص سرمایه اجتماعی ساختاری (حمایت، خدمات) با رضایت از کیفیت زندگی رابطه داشته‌اند. از شش فرضیه دیگری که رابطه معناداری با رضایت از کیفیت زندگی داشتند، سه متغیر شخصیتی بوده (تعلق به مکان، ارتباطات، و توانمندی) و سه متغیر هم اقتصادی - اجتماعی بوده‌اند (درآمد ماهیانه فرد، شاخص ثروت، تحصیلات سرپرست) (جدول ۵).

رگرسیون چند متغیری

برای تحلیل چند متغیری بین متغیرهای مستقل و وابسته، از رگرسیون چند متغیری به روش گام به گام استفاده شد. هشت متغیر اعتماد، تعلق به مکان، نوع روستا، خدمات، حمایت، درآمد ماهیانه، تفاوت، ارتباطات به ترتیب وارد معادله شده و روی هم رفته ۳۸/۱ درصد متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند.

جدول ۵- نتایج آزمون فرضیه‌ها با استفاده از ضریب همبستگی

نوع ارتباط	سطح معناداری	ضریب همبستگی	فرضیه
مثبت	-	۰/۰۴۳	ارتباط بین سن و رضایت از کیفیت زندگی
مثبت	-	۰/۰۶۶	ارتباط بین تعداد افراد خانواده و رضایت از کیفیت زندگی
منفی	-	-۰/۰۸۷	ارتباط بین شغل سرپرست و رضایت از کیفیت زندگی
منفی	-	-۰/۰۰۲	ارتباط بین میانگین تعداد شاغلان خانواده و رضایت از کیفیت زندگی
مثبت	۰/۹۹	۰/۱۱۷	ارتباط بین تحصیلات سرپرست و رضایت از کیفیت زندگی
مثبت	-	۰/۰۳۸	ارتباط بین میانگین تحصیلات اعضای خانواده و رضایت از کیفیت زندگی
مثبت	۰/۹۹	۰/۱۷۷	ارتباط بین شاخص ثروت و رضایت از کیفیت زندگی
مثبت	۰/۹۹	۰/۲۲۳	ارتباط بین درآمد ماهیانه و رضایت از کیفیت زندگی
مثبت	-	۰/۰۸۲	ارتباط بین نوع روستا و رضایت از کیفیت زندگی
منفی	-	-۰/۰۵۷	ارتباط بین مالکیت منزل مسکونی و رضایت از کیفیت زندگی
منفی	۰/۹۹	-۰/۱۳۰	ارتباط بین حمایت و رضایت از کیفیت زندگی
مثبت	-	۰/۰۴۹	ارتباط بین تفاوت و رضایت از کیفیت زندگی
مثبت	-	۰/۰۷۲	ارتباط بین عضویت گروهی و رضایت از کیفیت زندگی
مثبت	۰/۹۹	۰/۳۹۴	ارتباط بین اعتماد و رضایت از کیفیت زندگی
مثبت	۰/۹۹	۰/۱۸۵	ارتباط بین انسجام و رضایت از کیفیت زندگی
مثبت	۰/۹۹	۰/۱۸۶	ارتباط بین تضاد و رضایت از کیفیت زندگی
مثبت	۰/۹۹	۰/۳۸۰	ارتباط بین تعلق به مکان و رضایت از کیفیت زندگی
مثبت	۰/۹۹	۰/۱۵۵	ارتباط بین ارتباطات و رضایت از کیفیت زندگی
منفی	۰/۹۹	-۰/۱۹۳	ارتباط بین توانمندی و رضایت از کیفیت زندگی
مثبت	۰/۹۹	۰/۳۲۴	ارتباط بین خدمات و رضایت از کیفیت زندگی

منبع: یافته‌های پژوهش

در مرحله یا گام اول، متغیر اعتماد که یکی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی شناختی است وارد معادله شده و $۱۵/۶$ درصد متغیر وابسته یعنی رضایت از کیفیت زندگی را تبیین کرده است؛ تعلق به مکان در مرحله دوم وارد شده و R^2 را به $۰/۲۲۸$ رسانده و $۷/۲$ درصد قدرت تبیین را بالا برده است. در مرحله بعد، نوع روستا وارد شده و ۶ درصد به قدرت تبیین افزوده است؛ در مرحله چهارم، خدمات وارد معادله شده و R^2 را به $۰/۳۳۳$ رسانده و $۴/۵$ درصد به قدرت مدل افزوده است. حمایت، درآمد ماهیانه، تفاوت، و ارتباطات متغیرهای بعد بوده‌اند که به ترتیب وارد معادله شده و روی هم رفته $۴/۸$ درصد به قدرت تبیین کنندگی مدل افزوده‌اند (جدول ۶).

مشاهده می‌شود که میزان F در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. این معادله رگرسیونی از نظر آماری معتبر و قابل قبول می‌باشد. چهار متغیر از هفت متغیر وارد شده به معادله رگرسیون به روش گام به گام مربوط به سرمایه اجتماعی بوده‌اند (اعتماد، تفاوت، حمایت، و خدمات)؛ که سه مورد آن به سرمایه اجتماعی ساختاری و یک مورد به سرمایه اجتماعی شناختی مربوط می‌شوند. هر چند، آن سه متغیر روی هم رفته $۶/۸$ درصد متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند، در حالی که اعتماد به تنهایی $۱۵/۶$ درصد متغیر وابسته را تبیین کرده است. از چهار متغیر دیگر، دو مورد مربوط به متغیرهای شخصیتی بوده‌اند (تعلق به مکان، ارتباطات)؛ که تعلق به مکان $۷/۲$ درصد و ارتباطات تنها $۱/۲$ درصد متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند. دو متغیر دیگر هم اقتصادی - اجتماعی بوده (نوع روستا، درآمد ماهیانه) که نوع روستا ۶ درصد و درآمد ماهیانه $۱/۳$ درصد متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند.

جدول ۶- متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیون برای تبیین رضایت از کیفیت زندگی

متغیر	R	R ^۲	R ^۲ تعدیل شده	B	Beta	T	sigT
مرحله اول اعتماد	۰/۳۹۴	۰/۱۵۶	۰/۱۵۴	۰/۴۱۳	۰/۳۹۴	۹/۶۶۵	۰/۰۰۰
مرحله دوم تعلق به مکان	۰/۴۷۷	۰/۲۲۸	۰/۲۲۴	۰/۲۴۵	۰/۲۸۳	۶/۸۶۴	۰/۰۰۰
مرحله سوم نوع روستا	۰/۵۳۷	۰/۲۸۸	۰/۲۸۴	۶/۰۹۲	۰/۲۷۰	۶/۵۵۴	۰/۰۰۰
مرحله چهارم خدمات	۰/۵۷۷	۰/۳۳۳	۰/۳۲۸	۰/۱۴۸	۰/۲۲۰	۵/۸۳۶	۰/۰۰۰
مرحله پنجم حمایت	۰/۵۹۳	۰/۳۵۱	۰/۳۴۵	-۰/۰۹۷	-۰/۱۴۴	-۳/۷۳۹	۰/۰۰۰
مرحله ششم درآمد ماهیانه	۰/۶۰۳	۰/۳۶۴	۰/۳۵۶	۸/۹۶	۰/۱۱۲	۳/۱۶۵	۰/۰۰۲
مرحله هفتم تفاوت	۰/۶۱۳	۰/۳۶۹	۰/۳۷۶	۰/۰۹۴	۰/۱۲۰	۳/۱۳۹	۰/۰۰۲
مرحله هشتم ارتباطات	۰/۶۱۷	۰/۳۸۱	۰/۳۷۱	۰/۰۶۹	۰/۰۷۲	۱/۹۹۱	۰/۰۴۷

F= ۳۸/۴۷۵ Sig = ۰/۰۰۰

متغیر وابسته: رضایت از کیفیت زندگی.

منبع: یافته‌های پژوهش

خلاصه و نتیجه گیری

بر اساس بررسی داده‌هایی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت، می‌توان نتایج زیر را مشاهده کرد:

اول، سرمایه اجتماعی یک پیش‌بینی کننده خوب برای تبیین رضایت از کیفیت زندگی در نقاط روستایی استان فارس است. از میان اعتماد، انسجام، تضاد (شاخص‌های سرمایه اجتماعی شناختی)، و عضویت گروهی، حمایت، خدمات، تفاوت (شاخص‌های سرمایه اجتماعی ساختاری)، اعتماد، تفاوت، حمایت، و خدمات عناصری بودند که سهم بالایی از تبیین واریانس کل رضایت از کیفیت زندگی را توضیح می‌دادند.

دوم، از میان بیست فرضیه در نظر گرفته شده که ارتباط بین متغیرهای سرمایه اجتماعی، جمعیتی، اقتصادی - اجتماعی، و شخصیتی را با رضایت از کیفیت زندگی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بررسی می‌کرد، یازده فرضیه تأیید شد که پنج مورد مربوط به شاخص‌های سرمایه اجتماعی بود (اعتماد، خدمات، حمایت، انسجام، و تضاد) و شش مورد به متغیرهای دیگر مربوط می‌شد (تحصیلات سرپرست، تعلق به مکان، توانمندی، ارتباطات، درآمد ماهیانه، و شاخص ثروت).

سوم، با استفاده از یک مدل رگرسیونی چند متغیری و با روش گام به گام رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته تحلیل شد. این مدل به لحاظ آماری معنادار بود و $38/1$ درصد تغییر در متغیر وابسته رضایت از کیفیت زندگی را تبیین می‌کرد. این مدل هشت مرحله را در پی داشت که در هر مرحله، متغیرهایی وارد معادله شدند؛ برخی متغیرهای اقتصادی - اجتماعی، دو متغیر از سه متغیر شخصیتی، و برخی شاخص‌های سرمایه اجتماعی از جمله این متغیرها بودند. متغیرهای اقتصادی - اجتماعی (درآمد ماهیانه، نوع روستا) $7/3$ درصد، متغیرهای شخصیتی (تعلق به مکان، ارتباطات) $8/4$ درصد، و متغیرهای سرمایه اجتماعی (اعتماد، حمایت، تفاوت، خدمات) روی هم رفته $22/4$ درصد از متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند. اعتماد اولین متغیر و ارتباطات آخرین متغیری بود که به مدل وارد شده است.

از میان شاخص‌های سرمایه اجتماعی، اعتماد بالاترین تأثیرگذاری را داشته است و پس از آن سه شاخص حمایت، خدمات، و تفاوت قرار داشته‌اند. تنها یک شاخص سرمایه اجتماعی شناختی بر رضایت از کیفیت زندگی تأثیرگذار بوده که همان اعتماد است ولی بر اساس سهمی که در تبیین متغیر وابسته داشته است، می‌توان گفت اعتماد از مهم‌ترین متغیرها در ارتباط با بحث توسعه است. سه شاخص دیگر سرمایه اجتماعی هم بدین موضوع اشاره دارند که هرچه حمایت و در دسترس گذاشتن خدمات در یک جامعه بیشتر باشد، از طریق ایجاد ساختارهایی که در گذشته ایجاد شده و میزان تفاوت‌ها کمتر شده باشد، این بخش سرمایه اجتماعی می‌تواند به همان اندازه در میزان رضایت مردم از کیفیت زندگی مؤثر باشد. همچنین، چنانچه میزان احساس تعلق به مکان و ارتباطات که اولی اشاره به احساس هویت فرد دارد و دومی سطح آگاهی فرد را نشان می‌دهد، بالا باشد بر رضایت از کیفیت زندگی تأثیرگذار خواهد بود.

نوع روستا، که بیانگر ویژگی‌های روستاها به لحاظ امکانات توسعه است، و درآمد ماهیانه بر میزان رضایت از کیفیت زندگی مؤثرند و هر دو بدین نکته اشاره دارند که بهتر شدن وضعیت روستا و فرد می‌تواند بر میزان رضایت از کیفیت زندگی مردم تأثیرگذار باشد.

یادداشت‌ها

1. cluster analysis

منابع

- بیکر، واین (۱۳۸۲)، *مدیریت و سرمایه اجتماعی*. ترجمه مهدی الوانی و محمدرضا ربیعی، تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*. ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات روزنامه سلام.
- زاهدی، محمد جواد (۱۳۸۲)، *توسعه و نابرابری*. تهران: مازیار.

- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، *دائرة المعارف علوم اجتماعی*. تهران: کیهان.
- سازمان برنامه و بودجه استان فارس (۱۳۷۳)، *اوضاع اقتصادی و اجتماعی استان فارس، جوامع روستایی. گزارش نهایی: ساماندهی و سلسله مراتب سکونتگاهی مناطق روستایی*، شیراز: مرکز انفورماتیک و مطالعات توسعه.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۷۹)، *تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی - اقتصادی سازمان یافته روستاییان به عنوان مکانیزمی برای توسعه روستایی در ایران: مطالعه موردی روستاهای شهر کاشان*. رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- غفاری، غلامرضا و اونق نازمحمد (۱۳۸۵)، « سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی، مطالعه موردی شهر گنبد کاووس». *مطالعات اجتماعی ایران*، شماره ۱، شیراز.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، *پایان نظم*، ترجمه غلامعباس توسلی. تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، *بنیادهای نظریه اجتماعی*. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

- Blunden, A. (2003), "On Social Capital", <http://home.mira.net/andy/works/social-capital.html>. [6 dec 2003].
- Costanza, R. et al. (2006), "Quality of life: an approach, integrating opportunities, human needs, and subjective well-being". *Ecological Economics*. article in press.
- Field, J. (2003), *Social capital*. London: Routledge.
- Fine, B. (2000). *Social capital versus social theory: Political economy and social science at the turn of the millennium*, London: Routledge.
- Foley, M. and Edwards, B. (1999), "Is it time to disinvest in social capital?". *Journal of Public Policy*. 19, 2, pp 141-173.
- Grix, J. (2001), "Social capital as a concept in the social sciences: The current state of the debate". *Democratization*, Vol.8, No.3, pp189-210.
- Grootaert, C. and Bastelaer, T. (2002), "Introduction and overview". in: Grootaert and Bastelaer, T. (eds), *The role of social capital in development*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Halpern, D. (2005), *Social capital*. London: Polity Press.

- Healy, T. (2005), *In each other's shadow: what has been the impact of human and social capital on life satisfaction on Ireland*. PhD thesis, Department of Sociology, Faculty of Human Science, University of Dublin.
- Krishna, A. (2002), *Active social capital*. New York: Columbia University Press.
- Li, Yaojun et al. (2005), "Social capital and social trust in Britain". *European Sociological Review*. Vol.21, No.2, pp 109-123.
- Lin, N. (1977), *Foundation of social research*. New York: McGraw Hill.
- Narayan, D. and Cassidy, M. (2001), "A dimensional approach to measuring social capital: Development and validation of a social capital inventory". *Current Sociology*. Vol. 49(2), pp 59-102.
- Nilsson, J. et al. (2006), "Social capital and quality of life in the old age". *Journal of Aging and Health*. vol.18, No.3, pp 419-434.
- OECD (2001), *The Well-Being of Nations: The role of Human and Social Capital*. Paris: OECD.
- Payton, M. (2003), *Influence of place attachment and social capital on civic action: A study at Sherburne National wildlife refuge*. Master Thesis University of Minnesota, Minnesota.
- Portes, A. (1998), "Social capital: Its origins and application in the modern sociology". *Annual Review of Sociology*. 24: pp 1-24.
- Productivity Commission (2003), "Social capital: Reviewing the concept and its policy implication". *Commonwealth of Australia*.
- Putnam, R. D. (2000), *Bowling alone: the collapse and revival of American community*. New York: Touchstone Books.
- Requena, F. (2003), "Social capital, satisfaction and quality of life in the workplace". *Social Indicators Research*. 61, pp 331-360.
- Rose, R. (2000), "How much does social capital add to individual health? A survey study of Russians". *Social Science and Medicine*, 51, pp 1421-1435.

- Schmit, R. (2002), "Considering social capital in quality of life assessment: concept and measurement". *Social Indicators Research*. 58, pp 403-428.
- Siisaman, M. (2000), "Two concepts of social capital: Bourdieu vs. Putnam". Paper Presented at *ISTR Fourth International Conference*. Dublin, Ireland.
- Sirgy, J. et al. (2000), "A method for assessing residential satisfaction with community- based services: a quality of life perspective". *Social Indicators Research*. Vol.49, pp 279-316.
- Uphoff, N. (2000), "Understanding social capital: Learning from the analysis and experience of participation". In: Dasgupta, p. and Serageldin, I. (eds.), *Social Capital: A Multifaceted Perspective*. Washington, DC: The World Bank.
- Uphoff, N. and Wijayaranta, C. M. (2000), "Demonstrated benefits from social capital: the productivity of farmer organizations in Gal Oya, Sri Lanka". *World Development*. Vol. 28, No. 11, pp 1875-1890.
- Van ha, N. et al. (2004), "The contribution of social capital to household welfare in a paper - recycling craft village in Vietnam". *Journal of Environmental and Development*. Vol. 13, No. 4, pp 371-399.
- Wall, A.; Ferrazzi, G. and Schyer, F. (1998), "Getting the goods on social capital". *Rural Sociology*. 63, 2: pp 300-322.
- Winter, I. (2000), "Towards a theorised understanding of family and social capital". *Working Paper No.21, Australian Institute of Family Studies*.
- World Bank (2002), *Empowerment and poverty reduction- A sourcebook*. Washington D.C.